

## راهکارهای درونی و بیرونی نظارت در حکومت اسلامی با تأکید بر آرای امام خمینی ره

\* یحیی فوزی

\*\* حسین بابائی

### چکیده

این مقاله با تأکید بر آرای امام خمینی به بحث در مورد راهکارهای درونی و بیرونی نظارت در حکومت اسلامی پرداخته است. راهکارهای جامعی را در حوزه نظارت بیرونی از آرای ایشان استخراج کرده و به بحث گذاشته است. در این مقاله ضمن اشاره به راهکارهای درونی همچون تقوا، علم، عدالت و... به راهکارهایی که در حوزه نظارت بیرونی ارائه می‌شوند اشاره شده که تحت عناوین راهکارهای عمومی و ساختاری، مطرح خواهند شد.

### واژگان کلیدی

امام خمینی، نظارت، حکومت اسلامی.

yahyafozi@yahoo.com

hosseinbabaei1522@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۶/۰۳

\*. عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره قزوین.

\*\* کارشناس ارشد اندیشه سیاسی در اسلام.

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۳/۲۸

## مقدمه

نظارت از حقوق بنیادین ملت‌ها و از مهم‌ترین شیوه‌های مهار کردن قدرت‌های سیاسی است؛ از فساد صاحبان قدرت و سوءاستفاده آنها از امکانات و اختیاراتی که در دست دارند جلوگیری می‌کند؛ راه را بر سلطه سودجویان و نفوذ دشمنان و فساد کارگزاران حکومت می‌بندد و هرگونه انحرافی را محدود و کنترل می‌کند. فساد صاحبان قدرت و همچنین سوءاستفاده آنان از قدرت و اختیاراتی که در دست دارند، مشکلات عدیده و جبران‌ناپذیری برای جامعه و مردم به وجود می‌آورد و موجب ناکارآمدی و زوال حکومت‌ها می‌گردد، مگر اینکه راهکارهایی ارائه گردد که به وسیله آن بتوان بر حکومت‌ها نظارت کرد.

بر این اساس، اسلام برای اعمال نظارت در حکومت اسلامی راهکارهای مخصوصی ارائه داده است که به غیر از مکتب انبیا در هیچ سیستم و نظامی وجود ندارد؛ زیرا بسیاری از نظارت‌ها و کنترل‌ها در اسلام، بر اساس اعتقادات و باورهای دینی است و از درون انسان نشئت می‌گیرد که برحسب آنها افراد از درون بر عملکرد خود نظارت می‌کنند. بنابراین، در اسلام زمینه‌های اعتقادی به گونه‌ای است که بهترین شرایط را برای نظارت درونی فراهم می‌آورد و اعتقادات فرد مسلمان بهترین ناظر او به شمار می‌رود، به طوری که مبنا و انگیزه بنیادین این نوع از نظارت در دین اسلام، اعتقادات درونی و ایمان به غیب است.

اسلام تنها از طریق معیارهای مادی و بیرونی، افراد را مورد نظارت و کنترل قرار نمی‌دهد، بلکه نظارت درونی را مکمل نظارت بیرونی می‌داند و راهکارهای جامع و کاملی برای نظارت در تمامی ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی ارائه می‌دهد. بنابراین، روش‌هایی که در این نوع نظارت از آنها استفاده می‌شود، در منابع دینی و اسلامی وجود دارد و در مقایسه با روش‌های بیرونی نظارت، بهترین راهکار و کارآمدترین سازوکار برای کنترل عملکرد افراد است؛ زیرا نظارت و کنترلی که از بیرون بر عملکرد افراد اعمال می‌شود، در صورتی اثرگذار است که افراد از درون نیز بر اعمال خود، نظارت کنند.

از آنجا که امام خمینی علیه السلام یگانه رهبری بود که پس از قرن‌ها و در دوران معاصر، نخستین حکومت اسلامی را بر اساس نظریه‌ای دینی بنیان نهاد، بر راهکارهای درونی نظارت

با اثرپذیری از آموزه‌های دینی و فقه پویای شیعی در حکومت اسلامی تأکید کرد، که حاکمان و کارگزاران و مردم می‌توانند از این راهکارها استفاده کنند. بدین منظور، در این نوشتار با تأکید بر آرای امام خمینی علیه السلام به راهکارهای نظارت درونی و بیرونی در حکومت اسلامی می‌پردازیم. ابتدا «تعاریف لغوی و اصطلاحی نظارت»، «ضرورت و اهمیت آن در نظام سیاسی» و «انواع نظارت» را مورد بحث قرار می‌دهیم

### بحث مفهومی

نظارت (به فتح و کسر نون) از ریشه «نظر» و در لغت به معنی مشاهده، تأمل و تفکر در چیزی یا امری است. این واژه در ادبیات عرب به معنای «فراست و زیرکی» و در فارسی به معنای «نظر کردن و نگریستن» آمده است. (معین، ۱۳۸۶: ۱ / ۱۹۴۷)

عالمان و دانشمندان بسیاری در علوم مختلف، مطابق تخصص و دیدگاه خود، تعریفی از نظارت کرده‌اند که در این میان، تنها در علم مدیریت و حقوق تعاریف جامعی از آن شده است. در علم مدیریت، نظارت به معنای «ارزیابی عملکرد کارکنان» آمده است و منظور از آن، فرایندی است که طی آن، کارکنان در زمان‌های معینی، به طور رسمی سنجش می‌شوند. (سعادت، ۱۳۷۶: ۲۱۴) در علم حقوق نیز به مجموعه عملیاتی گفته می‌شود که طی آن، میزان تطابق عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات سنجیده می‌شود تا از این طریق، به مطابقت عملکرد با هدف‌های مطلوب اطمینان حاصل شود. (ملک‌افضلی اردکانی، ۱۳۸۲: ۲۲) برخی تعاریف دیگر نظارت عبارتند از:

- نظارت چیزی نیست جز ارسال پیام‌هایی که به طور مؤثر، رفتار گیرنده پیام را تغییر می‌دهد. (الوانی، ۱۳۷۱: ۸۹)

- نظارت فرایندی برنامه‌ریزی شده است که طی آن، مجموعه اطلاعات مربوط به عملکرد یک مجموعه (یا نظام) جمع‌آوری می‌شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا میزان انطباق یا مغایرت عملکرد (یا هست‌ها) با هدف‌ها، برنامه‌ها، قانون‌ها و نرم‌ها و ضابطه‌های حاکم بر آن مجموعه تشخیص داده شود و در نهایت، پیشنهاد‌های لازم برای حذف مغایرت‌ها و اصلاح عملکرد یا برنامه ارائه گردد. (رمضان‌پور نرگسی، ۱۳۸۷: ۱۵)

- نظارت فعلیتی است که باید‌ها را با هست‌ها، مطلوب‌ها را با موجودها، و پیش‌بینی‌ها را با عملکردها مقایسه می‌کند و نتیجه این مقایسه، تصویر روشنی از تشابه یا تمایز بین این دو گروه از عوامل خواهد بود که در اختیار مدیران سازمان قرار می‌گیرد.

در علوم مختلف، تعریف‌های گوناگونی از نظارت شده است که در همه آنها یک نقطه اشتراک وجود دارد: مقایسه بین آنچه هست و آنچه باید باشد. (دلاوری، ۱۳۸۱: ۱۰۲)

با توجه به تعریف‌هایی که از نظارت گفته شد، می‌توان وجه جامعی از این تعریف‌ها را ارائه داد: «نظارت عبارت است از مقایسه بین هست‌ها و باید‌ها و انجام اموری در راستای رسیدن به هدف‌های مطلوب». (ایزدهی، ۱۳۹۰: ۶)

به منظور ارائه چارچوبی برای بررسی راهکارهای نظارت در حکومت اسلامی، می‌توان نظارت را از دو جنبه درونی و بیرونی مورد بحث و مذاقه قرار داد و در یک تقسیم‌بندی کلی، نظارت را به دو قسم درونی و بیرونی تقسیم کرد و بر مبنای آنها به هریک از راهکارهای درونی و بیرونی نظارت در حکومت اسلامی پرداخت. بنابراین با توجه به اهمیتشان، در ادامه به تعاریف هر یک از آنها اشاره می‌کنیم:

**نظارت درونی:** نظارتی است که از درون و وجدان فرد سرچشمه می‌گیرد و او را به رعایت هنجارهای مطلوب فرا می‌خواند (امیرکاه، ۱۳۷۶: ۴۶) و بر جنبه‌های درونی تأکید دارد که بر اساس آن، افراد بر عملکرد خود نظارت می‌کنند. این نوع نظارت، در منابع دینی و اسلامی به خوبی قابل مشاهده است و مبنا و انگیزه بنیادین آن را ایمان، اعتقادات دینی و وجدان انسان تشکیل می‌دهد. هدف نظارت درونی، ایجاد حالتی در وجود فرد است که او را به انجام وظایفش متمایل سازد، بدون آنکه عاملی خارجی او را کنترل کند. (الوانی، ۱۳۷۱: ۱۰۶)

**نظارت بیرونی:** نظارتی است که از خارج از وجود فرد بر وی تحمیل می‌شود. (امیرکاه، ۱۳۷۶: ۴۵ و ۴۶) بر اساس این تعریف، تمام سازوکارهای بیرونی و خارج از شخص حاکم و کارگزار که بر رفتار وی نظارت می‌کنند، نظارت بیرونی نامیده می‌شود. (سلوکلائی، ۱۳۸۸: ۱۷۱) بر اساس این نوع نظارت، تدوین‌کنندگان معیارها، افرادی را با عنوان «ناظر»

انتخاب می‌کنند و به آنان مأموریت می‌دهند تا عملکرد مجریان را با ضابطه‌ها و استانداردهای اعلام‌شده تطبیق دهند و نتیجه را به آنان گزارش کنند. (رمضان‌پور نرگسی، ۱۳۸۷: ۲۶) این نوع نظارت در جامعه و حکومت اسلامی از سوی شخص یا مقام یا سازمان و یا نهادی بر اعمال شخص یا مقام یا سازمان و یا نهادی دیگر اعمال می‌شود.

در نظام نظارتی اسلام هر یک از راهکارهای گفته شده به بحثی جداگانه نیاز دارند و می‌توان درباره آنها به صورت جدا از هم بحث کرد. بر این اساس در ادامه، با تأکید بر آرای امام خمینی علیه السلام، به راهکارهای نظارت درونی در حکومت اسلامی می‌پردازیم.

### راهکارهای نظارت درونی در حکومت اسلامی با تأکید بر آرای امام خمینی

در نظام سیاسی اسلام، بر اساس تعالیم و دستورات الهی، نظارت انسان بر خود و مراقبت از خویشتن، اصلی بنیادین تلقی می‌شود و از تخلف انسان‌ها جلوگیری می‌کند. بنابراین، حکومت اسلامی به منظور بهبود عملکردها و ممانعت از فساد، تخلف و انحرافات، راهکارهایی در حوزه نظارت درونی ارائه داده است که به کمک آنها می‌توان از سوءاستفاده‌ها و فساد حاکمان، کارگزاران و افراد جامعه در هر سطحی جلوگیری کرد. در ادامه، به برخی از راهکارهای مهم در حوزه نظارت درونی، در چارچوب راهکارهای درونی نظارت در حکومت اسلامی اشاره می‌کنیم که در همه مباحث، ارائه دیدگاه‌ها و آرای امام خمینی علیه السلام انگیزه اصلی کار است. در این راستا کاربرد اصطلاحات و منابع اسلامی، هدف اصلی خواهد بود.

#### ۱. عدالت

از نظر امام خمینی علیه السلام، عدالت به مثابه حالت، صفت و در نهایت ملکه دیده می‌شود که هم در نفس انسان، هم در امور و هم در جامعه بشری (مدینه) جای می‌گیرد. این ملکه و حالت در اثر تمرین و ممارست، گرایش به حق و حقیقت، تقوا و گذشتن از منافع خصوصی و اولویت دادن به مصالح عمومی به تدریج در فرد شکل می‌گیرد. بدین‌سان، انسانی که دارای ملکه عدالت می‌شود، به توانایی‌ای می‌رسد که او را از انجام دادن محرّمات و زیان زدن به دیگران بازدارد و به اجرای حقوق، ایثار در راه مصالح عامه، از خودگذشتگی، پاکی، مروت و اعتدال

فراخواند. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۳۱۲) بنابراین، عدالت یکی از راهکارهای درونی نظارت قلمداد می‌شود. امام خمینی رحمته الله علیه اتصاف حاکمان به صفت عدالت را از شروط اساسی می‌داند (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۴۷ و ۴۸) که موجب تقوا و پرهیزکاری آنان می‌گردد و از فساد، انحرافات و سوءاستفاده آنان از قدرت و اختیاراتی که دارند، جلوگیری می‌کند و سبب می‌شود که آنان از درون بر اعمال خود نظارت داشته باشند. از نظر امام، «عدالت، ملکه (صفت نفسانی) ریشه‌داری است که همواره انسان را به ملازمت تقوا - ترک محرمات و فعل واجبات - وادار می‌کند». (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۴)

## ۲. علم و آگاهی

دانش و آگاهی بسان چراغی است که راهگشای انسان رهپوی در تاریکی‌هاست. امام خمینی می‌فرماید:

با علم است که انسان می‌تواند تأمین سعادت دنیا و آخرت را بکند. با آموزش است که انسان می‌تواند تربیت کند جوان‌ها را، به طوری که مصالح دنیا و آخرت خودشان را خودشان حفظ کنند. این علم است که می‌تواند جلوی این فسادها را بگیرد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۴۵۱ و ۴۵۲)

بر این اساس، حاکم اسلامی باید علم و آگاهی داشته باشد، تا بتواند با نظارت فراگیرش، مردم را به سوی مبانی اسلامی هدایت کند و کارگزاران حکومت اسلامی را از هرگونه فساد و انحراف، دور نگاه دارد. (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۴۸ و ۴۹)

## ۳. تقوا

یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اسلامی که سرمنشأ ارزش‌های دیگر است، تقواست. تقوا به معنای حفظ کردن، پرهیز کردن و ترسیدن است و در زبان قرآن به معنای ترسیدن و حفظ کردن نفس از سقوط در مخالفت با اوامر و نواهی خداوند است. (سپه‌ا، ۱۳۸۹: ۱۵۷)

انسان باتقوا نه از ترس دیگران و نه از ترس قانون سازمان، بلکه به دلیل اینکه باید منطقی و عقلانی در راه تکامل حرکت کند، رفتار خود را تحت کنترل قرار می‌دهد

(علی احمدی، کاظمی و مولایی، ۱۳۸۲: ۱۱) و از درون بر عملکرد خود نظارت می‌کند. بنابراین، اگر افراد جامعه، حاکمان و کارگزاران نظام سیاسی اسلام به صفت تقوا متصف باشند، این اتصاف می‌تواند یکی از راهکارهای نظارت درونی در حکومت اسلامی قلمداد شود. (سپه‌ا، ۱۳۸۹: ۱۵۸) امام خمینی علیه السلام تقوا را برای همه افراد جامعه به خصوص متصدیان امور کشور ضروری می‌داند و می‌فرماید:

تقوا برای همه لازم است و برای کسانی که متصدی امور کشور هستند، لازم‌تر است... اینهایی که در رأس امورند، اگر تقوا نداشته باشند، این به همه کشور سرایت می‌کند؛ همه کشور را یک وقت - خدای نخواستہ - به باد می‌دهد و لهذا برای آنها اهمیت تقوی بسیار بیشتر است تا برای اشخاص. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷ / ۱۲۲ و ۱۲۳)

همچنین تقوا از قوی‌ترین عوامل درونی است و می‌تواند حافظ و نگهدارنده انسان از هرگونه خلاف، فساد و انحراف در هر سطحی از جامعه، به مخصوص در میان حاکمان و کارگزاران باشد و از راهکارهای نظارت درونی در حکومت اسلامی قلمداد شود. از این رو، امام خمینی علیه السلام تقوا را به همراه جهاد، ملاک و معیار انتخاب متصدیان اداره کشور و جایگزین تمامی سنت‌ها و امتیازات مادی می‌داند و می‌فرماید:

به همه مسئولان کشورمان تذکر می‌دهم که در تقدم ملاک‌ها، هیچ ارزش و ملاکی مهم‌تر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی و الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدی مسئولیت‌ها و اداره کشور و بالاخره جایگزین همه سنت‌ها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود. (همان: ۲۰ / ۳۳۳)

با این حال، این عامل در اثر مراقبت به چنان نیروی بازدارنده‌ای تبدیل می‌گردد که در فرایند نظارت درونی یکی از ویژگی‌های حاکم اسلامی محسوب می‌شود. بر همین اساس، حضرت امام، ضمن اینکه اتصاف به صفت تقوا را موجب سالم ماندن قوای ظاهری و باطنی می‌داند، یکی از ویژگی‌های حاکم را داشتن تقوای الهی دانسته، اظهار می‌دارد:

پس کسی که متصف به همه مراتب تقوا شد، دین و عقل و روح و قلب او و

جمع قوای ظاهره و باطنه‌اش سالم ماند؛ و حَفْظَه و موکلین او نیز سالم مانند و از او ملول و منضجر و وحشتناک نشوند. (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۳۶۹)

نتیجه اینکه نوع نگاه امام به تقوادی حاکمان و متصدیان اداره امور کشور، می‌تواند از راهکارهای درونی نظارت در نظام سیاسی اسلامی، از دیدگاه ایشان قلمداد شود.

#### ۴. تزکیه و تهذیب نفس

تزکیه و تهذیب نفس به معنای پاک کردن روح، دل، جان و عقل از هرگونه آلودگی برای گام برداشتن در جهت فضایل است؛ و فرایندی درونی می‌باشد که به وسیله آن، فرد تلاش می‌کند درون خود را از آلودگی‌ها پاک سازد و به تدریج عنان نفس خود را در دست گیرد. این عامل به قدری مهم است که در قرآن کریم عامل رستگاری انسان محسوب می‌شود: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» (اعلیٰ / ۱۴)

با توجه به اهمیتی که تهذیب نفس در تحقق نظارت درونی دارد، امام خمینی رحمته الله علیه، زمامداران را به تزکیه و تهذیب نفس توصیه می‌کند و می‌فرماید:

کسانی که در بشر می‌خواهند زمامداری کنند، اگر بخواهند که طغیان نکنند و کارهای شیطانی نکنند، باید تزکیه کنند خودشان را... و این تزکیه برای دولتمردان، برای سلاطین، برای رؤسای جمهور، برای دولت‌ها و برای سردمداران، بیشتر لازم است تا برای مردم عادی. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۹۱/۱۴ و ۳۹۲)

اگر یک انسان، یک شاه، یک رئیس مملکت مهذب و صحیح باشد، آنهایی که اطرافش هستند همه صحیح خواهند شد؛ و آنها هم سرایت می‌کند صحت عملشان به پایین‌ترها. (همان: ۲۸۵ / ۷)

#### ۵. اصل حضور و شهود الهی

این اصل، بیانگر ناظر و شاهد بودن خداوند بر اعمال بندگانش است. بر اساس این اصل، در مکتب اسلام، تمامی مسلمانان به خصوص حاکمان و کارگزاران، خداوند را حاضر و ناظر بر امور و اعمال خود می‌دانند.

بر این اساس، امام خمینی رحمته الله علیه بر حضور خداوند در همه جا تأکید می‌کند و می‌فرماید:



آن وقتی که قلم به دست می‌گیرید، بدانید که در محضر خدا، قلم دست گرفته‌اید. آن وقتی که می‌خواهید تکلم کنید، بدانید که زبان شما، قلب شما، چشم شما، گوش شما در محضر خداست. عالم محضر خداست. در محضر خدا معصیت خدا نکنید. در محضر خدا با هم دعوا نکنید سر امور باطل و فانی. برای خدا کار بکنید و برای خدا به پیش بروید. (همان: ۱۳ / ۴۶۱)

بنابراین، اعتقاد به اصل حضور و شهود الهی و تأکيدات امام راحل در این باره می‌تواند یکی از راهکارهای نظارت درونی در نظام سیاسی اسلام باشد.

#### ۶. اصل حضور و شهود پیامبران و اولیای الهی و ملائکه

از آیات قرآن چنین برمی‌آید که پیامبران الهی شاهدان و ناظران بر اعمال مردم هستند و در قیامت نیز بر اساس همین نظارت، به نفع یا ضرر آنان شهادت می‌دهند. (جعفری، ۱۳۸۸: ۹۵) امام خمینی علیه السلام، در بیانی نظارت پیامبر صلی الله علیه و آله و عرضه اعمال به امام زمان علیه السلام و نظارت ایشان را بر اعمال ما متذکر می‌شود و می‌فرماید:

پیغمبر اکرم توجه به این ملت دارد. تمام ذرات کارهای ما تحت نظر خدای تبارک و تعالی است و نامه اعمال ما به حسب روایات عرضه می‌شود به امام وقت؛ امام زمان علیه السلام مراقب ما هستند، مراقب روحانیت هستند که چه می‌کنند اینها. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷ / ۴۹۲)

همچنین آن بزرگوار علاوه بر اینکه نظارت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام بر اعمال ما را متذکر می‌شود، به دلیل عرضه اعمال به رسول الله صلی الله علیه و آله، همه را به دقت و مراقبت در اعمال و کارهایشان توصیه می‌کند و می‌فرماید:

اعمال شما - به حسب روایات - عرضه داده می‌شود پیش رسول الله صلی الله علیه و آله اگر اعمال شما عرضه داده شد و رسول الله دید شما خلافکار هستید، چقدر ایشان ناراحت می‌شود؟! نخواهید که رسول الله ناراحت بشوند؛ قلب مبارک ایشان را مکدر نکنید. (همان: ۲ / ۳۹۰)

بر این اساس، در بیانات امام خمینی علیه السلام نظارت پیامبران عظام و ائمه اطهار علیهم السلام از تأکید ویژه‌ای برخوردار است که می‌تواند یکی از راهکارهای نظارت درونی در حکومت اسلامی باشد.

همچنین بر اساس تعلیمات قرآنی، واضح است که خداوند متعال مخلوقات و سربازانی به نام فرشتگان دارد و بسیاری از امور را به واسطه آنان انجام می‌دهد و مأموریت نظارت بر بندگان خدا و حفاظت از آنان از همین موارد است. (جعفری، ۱۳۸۸: ۸۹ و ۹۰)

بر این اساس، امام خمینی علیه السلام مراقبت فرشتگان بر اعمال قدرتمندان و تمامی انسان‌های دیگر را خاطر نشان می‌سازد و آنان را از وجود مأموران مخفی (ملائکه الله) آگاه کرده، می‌فرماید:

همه تحت مراقبت هستیم. پاسدارهای معنوی، ملائکه الله، به همه ما اشراف دارند که ما چه می‌کنیم؛ در این پاسداری، ما چه می‌کنیم؛ در این آزادی که الان پیدا شده؛ در این قدرتی که الآن دست شماها افتاده است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۸ / ۳۹۱)

این است که شاهد و ناظر بودن فرشتگان نیز می‌تواند یکی دیگر از راهکارهای نظارت درونی در حکومت اسلامی باشد.

**راهکارهای نظارت بیرونی در حکومت اسلامی با تأکید بر آرای امام خمینی علیه السلام**

در نظام اسلامی، برای نظارت بر اعمال حاکمان و کارگزاران و جلوگیری از فساد و انحراف آنان، از سازوکارهای بیرونی متعددی استفاده می‌شود که می‌توان با تکیه بر آرا و دیدگاه‌های امام خمینی راهکارهای جامعی ارائه داد و آنها را تحت عناوین «راهکارهای عمومی نظارت بیرونی» و «راهکارهای ساختاری نظارت بیرونی» دسته‌بندی کرد. بر این اساس، راهکارهایی که تحت عناوین یادشده به آنها اشاره می‌گردد، راهکارهای جامعی را در حوزه نظارت بیرونی تشکیل می‌دهند که در ادامه به هر یک از آنها اشاره می‌کنیم.

#### الف. راهکارهای عمومی نظارت بیرونی

راهکارهای عمومی نظارت بیرونی در حکومت اسلامی، همان راهکارهای عمومی نظارت هستند که برای نظارت بر قدرت، پیش‌بینی شده‌اند و در هر شکلی از حکومت‌ها که دارای ماهیت اسلامی هستند، مورد استفاده مردم جوامع مسلمان و حکومت اسلامی قرار می‌گیرند.

برخی از این راهکارها همانند «امر به معروف و نهی از منکر»، «نصیحت» و «شورا و مشورت» از زمان‌های گذشته استفاده می‌شده‌اند و هنوز ادامه دارد؛ برخی دیگر نیز همانند رسانه‌های گروهی، از مختصات زمان حاضر و معلول جوامع جدید و پیچیده شدن جوامع در عصر حاضر هستند و از آنجا که به وسیله این راهکارها عموم مردم و تمامی ارکان حکومت می‌توانند بر عملکرد افراد و کارگزاران نظارت کنند، در قالب راهکارهای عمومی نظارت قرار می‌گیرند. در ادامه، این راهکارها را در چارچوب راهکارهای «عمومی» نظارت بیرونی در حکومت اسلامی بررسی می‌کنیم. در همه مباحث، ارائه دیدگاه‌ها و آرای امام خمینی علیه السلام انگیزه اصلی کار است.

#### ۱. امر به معروف و نهی از منکر

اسلام جامعه‌ای را برای مسلمانان تصویر کرده است که بر اساس آن، همه مردم در سرنوشت خود و دیگران، بلکه کل جامعه دخیل هستند و نباید در قبال انحرافات که در سطح خرد و یا کلان در آن صورت می‌پذیرد، بی‌اعتنا باشند. بر این اساس، اصلی اساسی به نام امر به معروف و نهی از منکر در معارف اسلامی بنا نهاده شده است که همگان موظفند در صورت وجود شرایط، دیگران را به خوبی‌ها دعوت کنند و از بدی‌ها بازدارند. (ایزدهی، ۱۳۹۰ الف: ۱۳۷)

بنابراین، بر اساس آیات صریح و محکم قرآن کریم<sup>۱</sup> و روایات فراوانی که از پیشوایان دین به ما رسیده است، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی و از بزرگ‌ترین واجبات است که موجب تحقق نظارت همگانی، کنترل و اصلاح اشخاص و اجتماع می‌شود. این اصل از آغاز در کتاب‌های دینی اندیشمندان اسلامی قرار داشته و مورد توجه بوده است، اما از زمان صاحب جواهر، از رساله‌های عملیه فقه شیعه کنار گذاشته شده بود (مطهری، ۱۳۶۵: ۲ / ۵۱) که در عصر حاضر به همت امام خمینی احیا شد و بخشی از رساله‌های عملیه را به خود اختصاص داد. به حق، امام خمینی علیه السلام شاخص‌ترین فقیه دوره معاصر بود که امر به معروف و نهی از منکر را وارد برنامه عملی انسان متدین کرد و آن را

---

۱. وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.  
(آل عمران/۱۰۴)

یکی از راهکارهای نظارت در حکومت اسلامی قرار داد. ایشان در مباحث فقهی، بخشی را به طور ویژه به بیان احکام این فریضه اختصاص داد؛ «کتاب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر» تحریر الوسیله که در سال ۱۳۸۴ قمری به نگارش درآمده، از مهم‌ترین آنهاست. ایشان در آثار خود امر به معروف و نهی از منکر را بر ملت واجب می‌داند و اظهار می‌دارد: «امر به معروف و نهی از منکر بر همه ملت واجب است. اگر یک خلاف، یکی کرد باید نهی بشکنید، باید بازدارید او را از این کار». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۱۸۲)

امام خمینی علیه السلام علاوه بر تأکید بر وجوب اصل امر به معروف و نهی از منکر، معتقد بود که نباید کارویژه‌های این اصل را به امور جزئی محدود کرد و باید از فواید اصلی آن که تحدید و کنترل حاکمان و کارگزاران است، استفاده کرد. از این رو، ایشان این فریضه را در امور جزئی محدود نمی‌سازد و می‌فرماید:

اگر امر به معروف و نهی از منکر به خوبی اجرا شود، دیگر فرایض قهراً برپا خواهد شد. اگر امر به معروف و نهی از منکر اجرا شود، ظلمه و عمالشان نمی‌توانند اموال مردم را بگیرند، و به میل خود صرف کنند و مالیات‌های مردم را تلف نمایند. (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۱۸)

امام خمینی علیه السلام ضمن فراگیر دانستن این فریضه برای همه مردم، می‌فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر دو اصلی است در اسلام، که همه چیز را می‌خواهد اصلاح کند؛ یعنی با این دو اصل می‌خواهد تمام قشرهای مسلمین را اصلاح بکند. به همه مأموریت داده. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۰ / ۱۱۲)

ما همه امروز وظیفه داریم. امر به معروف و نهی از منکر بر همه مسلمین واجب است. جلوگیری از منکرات بر همه مسلمین واجب است. سفارش به حق که امر به معروف است و نهی از منکر است، بر همه مسلمین واجب است. شما و ما مؤظفیم که در تمام اموری که مربوط به دستگاه‌های اجرایی است، امر به معروف کنیم. (همان: ۱۳ / ۴۷۰)

بر این اساس، آن بزرگوار همه را در قبال اعمال و رفتار یکدیگر مسئول می‌داند و در بیانی روشن، براساس اصل امر به معروف و نهی از منکر، مردم را به مراقبت از عملکرد

خویش، به عنوان رهبر نظام اسلامی، فرامی‌خواند و می‌فرماید:

همه‌مان، همه‌مان مسئولیم، نه مسئول برای کار خودمان؛ مسئول کارهای دیگران هم هستیم: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». همه باید نسبت به همه رعایت بکنند، همه باید نسبت به دیگران [رعایت بکنند]. مسئولیت من هم گردن شماست؛ [مسئولیت] شما هم گردن من است. اگر من پایم را کج گذاشتم، شما مسئولید اگر نگویید چرا پایت را کج گذاشتی؟ باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟ اگر خدای نخواستہ یک معمم در یک جا پایش را کج گذاشت، همه روحانیون باید به او هجوم کنند که چرا برخلاف موازین؟ سایر مردم هم باید بکنند. نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد؛ مال همه است. امت باید نهی از منکر بکند؛ امر به معروف بکند. (همان: ۸ / ۴۸۷ و ۴۸۸)

امام خمینی علیه السلام نظارت همگانی بر اعمال حاکمان و کارگزاران را مورد تأکید جدی قرار می‌دهد و آن را یک وظیفه می‌داند و می‌فرماید:

این مسئله مهم است و آقایان توجه کنند همه و همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور. نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن. مسئله، مسئله مهم است. همه ملت موظفند به اینکه نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الان مربوط به اسلام است. (همان: ۵)

## ۲. نصیحت

نصیحت یعنی پند، اندرز، وعظ و موعظه، پند بی‌آمیغ، موعظت، خیرخواهی و نکوخواهی. (دهخدا، ۱۳۴۶: ۴۸ / ۵۶۳) در اصطلاح نیز نصیحت، هر سخن و کاری است که در آن خیر نصیحت‌شونده منظور شود. بنابر این توضیحات، می‌توان از کلمه خیرخواهی به عنوان معادل فارسی نصیحت استفاده کرد و آن را به معنی خیرخواهی دانست که بنا بر نظر امام خمینی از واجبات است و ترکش شاید از کبایر باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۲۱)

بنابر مؤلفه نصیحت، مردم نباید در مقابل مصالح تک تک افراد جامعه و حکومت از خود سلب مسئولیت کنند و باید خویشان را مسئول مصالح جامعه و حکومت بدانند و بر اعمال، رفتار و کردار حاکمان و هم‌نوعان خود نظارت داشته باشند. از این‌رو، در دین مبین اسلام،

نصیحت یکی از راه‌های نظارت در حکومت اسلامی قلمداد شده است و یکی از راهکارهای نظارت بیرونی در نظام سیاسی اسلام به شمار می‌رود. بر این اساس، به منظور بهبود بخشیدن به مدیریت جامعه و عملکرد حکومت، خطاها و انحرافات حاکمان و کارگزاران، به آنان گوشزد می‌شود.

در روایات متعددی بر نصیحت مسلمانان نسبت به رهبران جامعه، تأکید شده است. رسول گرامی اسلام در مراسم حجه الوداع در مسجد خیف فرمودند: «سه چیز است که قلب هیچ فرد مسلمانی نباید به آنها خیانت کند (هیچ فرد مسلمانی به آنها خیانت نمی‌کند): اخلاص عمل برای خدا، نصیحت رهبران مسلمانان و جدا نشدن از اجتماع آنان». (کلینی، ۱۳۸۸: ۱ / ۴۰۳)

امام خمینی علیه السلام در زمان حیات خویش، مسئولان و متصدیان امور را موعظه و نصیحت می‌کرد. علاوه بر اینکه نصیحت را امری واجب می‌دانست، بر نصیحت متقابل تأکید می‌کرد: «هر یک از ما پاسداریم نسبت به دیگران. من باید نصیحت بکنم به شما؛ شما به من نصیحت کنید». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۷ / ۴۹۱)

ایشان انتقاد از زمامداران را در قالب نصیحت، حق مردم می‌دانست و می‌فرمود:

هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده بدهد و در غیر این صورت، اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد - خود به خود - از مقام زمامداری معزول است. (همان: ۵ / ۴۰۹)

به همین دلیل، امام خمینی علیه السلام یکی از آرمان‌های خود را جامعه‌ای می‌داند که در آن، هر کس بتواند آزادانه انتقاد کند. ایشان در مصاحبه‌ای با روزنامه «لیبرال» چاپ توکیو می‌گوید:

ما امیدواریم که ایران اولین کشوری باشد که به چنین حکومتی دست می‌یابد؛ حکومتی که کوچک‌ترین فرد ایرانی بتواند آزادانه و بدون وجود کمترین خطر به بالاترین مقام حکومتی انتقاد کند و از او در مورد اعمالش توضیح بخواهد. (همان: ۴۴۹)

### ۳. شورا و مشورت

شورا که در لغت به معنی مشورت و رایزنی است، (معین، ۱۳۸۶: ۱ / ۹۶۲) عبارت است از:

«استفاده از آرا و نظریات دیگران به منظور پی بردن به نظریات آنها و یاری جستن از آن نظریات در دستیابی هرچه بهتر و بیشتر به حقیقت و رفع شک و تردید و یا تشریح مساعی جمعی در مواردی که رعایت نظریات جمع به نحوی مطلوب است». (قاضی زاده، ۱۳۸۴: ۴) بنابراین، اصل شورا به معنی تبادل نظر و جمع‌بندی آرا و نظریات، برای رسیدن به فکر بهتر و راه صحیح‌تر است، که شیوه‌ای در مدیریت جامعه اسلامی است (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۳۰۶ و ۳۰۷) و از مفاهیمی است که در دین مبین اسلام، اهمیت قابل توجهی دارد.

روش مشاوره در اسلام و رعایت همه جوانب امر می‌تواند ضریب خطا در تصمیم‌گیری و عمل را کاهش دهد و قدرت را از ابتلا به مطلق‌نگری و یک‌بعداندیشی مصون دارد و به عنوان یک ابزار، حکومت را از لغزش‌ها و انحراف‌ها حفظ کند.

به همین دلیل، شور و مشورت از مهم‌ترین آموزه‌های اسلام در امر حکومت است. خدای سبحان در قرآن کریم، با وجود عصمت پیامبر اسلام و اتصال وی به نیروی وحی، آن حضرت را به مشورت با مردم امر می‌کند: «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران / ۱۵۹) و یکی از صفات مؤمنان را مشورت کردن در انجام امور می‌داند: «وَ أَمْرُهُمْ شُورِي بَيْنَهُمْ». (شوری / ۳۸)

الزام به مشورت، حاکمان و کارگزاران را به فکر بهتر و راه صحیح‌تر رهنمون می‌سازد و موجب نظارت مشاوران بر اعمال آنان می‌شود. بر این اساس، به وسیله مشورت، مسائل از زوایای گوناگون ارزیابی می‌گردد و به عنوان ابزار نظارتی، حکومت را از لغزش‌ها و انحرافات حفظ می‌کند. ممکن است حاکمان، متصدیان امور و قانون‌گذاران به علت ناآشنایی با مسائل، سهواً مرتکب خطا و اشتباه شوند. از این‌رو نظارتی که با مشورت همراه باشد، راه هرگونه خطا و انحراف را بر آنها می‌بندد. امام خمینی علیه السلام مشورت کردن در امور و عمل به نتایج آن را خاطرنشان می‌سازد و می‌فرماید: «در امور مهمه با کارشناسان مشورت کنید و جانب احتیاط را مراعات نمایید». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸ / ۶ و ۷)

همچنین ایشان می‌فرماید:

اسلام که... می‌فرماید که شورا باشد کارهاتان، خوب... وقتی که شورا یک چیزی را به اکثریت قبول کردند، معنایش این است که همان را عمل بکنید. هر که رد

بکند، معنایش این است که ما قبول نداریم این را. این برخلاف دموکراسی است. برخلاف اسلام است. برخلاف مصالح مملکت است. (همان: ۱۱ / ۳۷۳)

امام در سخنان خود، مخالفت با شورا را برخلاف مصالح کشور می‌داند و مشورت در امور اجتماعی و سیاسی را موجب جلوگیری از آسیب‌های احتمالی اعلام می‌دارد. از این رو، مشورت را برای زمامداران الزامی می‌داند و می‌فرماید:

اگر شماها بخواهید کشورتان محفوظ بماند و اگر بخواهید آسیب نبینید، باید کاری بکنید که در هر محلی مشورت بکنید با آقایان راجع به مسائل. آنها به مسائل محلی آشنا هستند و استاندارها غالباً از خارج رفته‌اند و توجه کم دارند. این باید مشورت بکنند. (همان: ۱۵ / ۳۸۰)

در این حکومت به طور قطع باید زمامداران امور دائماً با نمایندگان ملت در تصمیم‌گیری‌ها مشورت کنند و اگر نمایندگان موافقت نکنند، نمی‌توانند به تنهایی تصمیم‌گیرنده باشند. (همان: ۵ / ۴۳۶)

#### ۴. رسانه‌های گروهی

رسانه‌های گروهی در معنای وسیع، شامل «کلیه وسایل ارتباطی است که در سطحی گسترده به انتشار اطلاعات، اخبار، عقاید و نظریات می‌پردازد». (ره‌پیک، ۱۳۸۱: ۲۴۴) این وسایل که تنوع فراوان دارند، یکی دیگر از ابزارهای نظارت در حکومت اسلامی محسوب می‌شوند.

بر این اساس، یکی از وظایف خطیر رسانه‌های گروهی که شاید بتوان آن را حساس‌ترین، باارزش‌ترین و مهم‌ترین کارکرد وسایل ارتباط جمعی دانست، نظارت بر امور جامعه است. رسانه‌ها از یک سو به عنوان گوش و چشم اجتماع عمل می‌کنند و از خوب و بد امور، کسب اطلاع و خبر می‌کنند؛ از دیگر سو، به مثابه آئینه حقیقت‌نما و زبان جامعه، آنچه را می‌دانند در معرض افکار عمومی قرار می‌دهند و به این وسیله، خطاها را گوشزد می‌کنند و نقاط قوت و صلاح را می‌نمایانند. در جامعه‌ای که رسانه‌های گروهی آن، از انجام دادن این وظیفه حیاتی‌شان خالی می‌کنند و نقش نظارتی خود را به فراموشی می‌سپارند، وسیله مطمئن‌تر و عمومی‌تری وجود نخواهد داشت که به این واجب قیام کند و جامعه را به سوی خوبی‌ها سوق دهد و از بدی‌ها بازدارد. وسایل ارتباط جمعی آنگاه که کمر این مهم برینند، در چهره



مصلحتی ظاهر خواهند شد که از سر شفقت بر هموعان، بدی‌ها را برشمرده، بر آنها می‌خروشد و خوبی‌ها را نمایان کرده، مورد تشویق و تمجید قرار می‌دهد. (فخارطوسی، ۱۳۸۹: ۱۵۸ و ۱۵۹)

بدین‌سان، به علت عملکرد و نقش نظارتی رسانه‌های گروهی است که امام خمینی علیه السلام سلب آزادی مطبوعات را برخلاف مصالح کشور و نقض قانون اساسی می‌داند و بر آزادی آنها تأکید می‌کند و در این باره می‌فرماید:

سلب آزادی مطبوعات و دستگاه‌های تبلیغاتی و اجبار آنها به تبلیغ، برخلاف مصالح کشور و نقض قانون اساسی است. تجاوز به حقوق مردم و سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی... بازگشت به دوران سیاه استبداد و نقض قانون اساسی است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳ / ۷۴)

قانون اساسی که می‌گوید ملت‌ها باید آزاد باشند؛ ملت ایران باید مردمش آزاد باشند؛ مطبوعات باید آزاد باشد؛ هیچ‌کس حق ندارد جلوی قلم را بگیرد. (همان: ۱ / ۲۹۰)

ایشان به منظور تحقق نقش نظارت‌گرانه رسانه‌ها، بر آزادی بیان تأکید می‌کند و تکلیف نویسندگان را استفاده از قلمشان در جهت خیر ملت و جامعه می‌داند و می‌فرماید:

اشتباهات را همیشه باید گفت. اشتباهات را کسی نمی‌تواند [نادیده بگیرد]. من که نمی‌گویم باید هر کسی اشتباه کرد، شما تبعیت نکنید! اشتباهات را باید بگویید. همه آزادند در گفتن. بنویسند، بگویند، در روزنامه‌ها بنویسند. (همان: ۱۵۳)

چیزی که از نویسندگان می‌خواهم این است که همان‌طور که ما طلبه‌ها مکلف هستیم، شما آقایان نویسندگان هم مکلف هستید. الان از قلمتان استفاده کنید و برای خیر این ملت و برای خیر این جامعه قلم‌فرسایی کنید. (همان: ۶ / ۱۹۱)

ایشان در راستای نقش مضاعف مطبوعات در کنترل و نظارت قدرت، بر آن به عنوان یکی از راهکارهای نظارتی تأکید می‌کند (ایزدهی، ۱۳۹۰: ب: ۲۹۲) و اظهار می‌دارد:

مطبوعات باید... به صورتی شایسته از انحرافات جلوگیری کنند، و اگر کسی انحرافی دید، با آرامش در رفع آن بکوشد... به صورتی که اگر دست مردم بیفتد، مردم هدایت شوند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸ / ۶۱)

مطبوعات باید یک مدرسه سیار باشند... به صورتی شایسته از انحرافات جلوگیری کنند. (همان)

همچنین انتقاد مردم می‌تواند از انحراف، اشتباه و خطای حاکمان و کارگزاران در حکومت اسلامی جلوگیری کند، از این رو، رسانه‌های گروهی می‌توانند یکی از کانال‌های انتقال و انعکاس انتقاد مردم از حاکمان باشند و بدین وسیله بر اعمال و رفتار آنان نظارت و کنترل کنند. بنابراین، امام خمینی علیه السلام ضمن توصیه رسانه‌ها به انعکاس آرمان ملت، آنها را به انتقاد صحیح و سازنده فرا می‌خواند و می‌فرماید:

نقش مطبوعات در کشورها منعکس کردن آرمان‌های ملت است. مطبوعات باید آرمان ملت را منعکس می‌کنند. (همان: ۷ / ۳۲۳)

در روزنامه‌ها نباید صورت مخاصمه با کسی داشته باشند؛ صورت ارشاد داشته باشند. مطالب را بگویند. انتقاد باید بشود. تا انتقاد نشود، اصلاح نمی‌شود یک جامعه. عیب هم در همه جا هست؛ سر تا پای انسان عیب است و باید این عیب‌ها را گفت و انتقادات را کرد؛ برای اینکه اصلاح بشود جامعه. (همان: ۱۴ / ۴۰۱)

#### ب) راهکارهای ساختاری نظارت بیرونی

علاوه بر راهکارهای عمومی، نوع دیگر از راهکارهای نظارتی که می‌توان در حوزه نظارت بیرونی، از اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام استخراج کرد، راهکارهای ساختاری است؛ یعنی راهکارهایی که برای نظارت بر امور در ساختارهای حکومتی پیش‌بینی گردیده‌اند که به نوعی، نظارت متقابل قواست و در قانون اساسی نیز ذکر شده است. از آنجا که امام نظارت‌های مندرج در قانون اساسی را تأیید کرده است، این راهکارها را نیز می‌توان مورد تأیید امام دانست که عبارتند از:

#### ۱. نظارت رهبری بر قوای سه گانه و نهادهای قانونی کشور

از دیدگاه امام: «ولایت فقیه... معنایش این است که آنی که خدای تبارک و تعالی تعیین کرده است برای نظارت در امور و تعیین مراکز قدرت، آن عبارت از فقیه جامع‌الشرایط است». (همان: ۱۰ / ۳۲۳)

بر این اساس، ایشان ضمن تأکید بر نظارت مقتدرانه ولایت فقیه بر مجلس و رئیس‌جمهور؛ به نظارت رهبری بر قوای مقننه، مجریه و همه دستگاه‌ها که در قالب راهکارهای ساختاری نظارت صورت می‌گیرد، اشاره می‌کند و می‌فرماید:

ولایت فقیه، ولایت بر امور است که نگذارد این امور از مجاری خودش بیرون برود. نظارت کند بر مجلس، بر رئیس‌جمهور، که مبدا یک پای خطایی بردارد. نظارت کند بر نخست‌وزیر که مبدا یک کار خطایی بکند. نظارت کند بر همه دستگاه‌ها، بر ارتش، که مبدا یک کار خلافی بکند. (همان: ۳۱۱)

در همین راستا، آن بزرگوار نظارت ولی فقیه بر ارکان و ساختارهای دولت اسلامی را موجب کنترل و جلوگیری از اعمال خلاف مصالح کشور می‌داند و نقش ولایت فقیه را در این باره متذکر می‌شود و می‌فرماید:

من به همه ملت، به همه قوای انتظامی، اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی، اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد... کارهایی که خواهد دولت یا رئیس‌جمهور یا کس دیگری برخلاف مسیر ملت و برخلاف مصالح کشور انجام دهد، فقیه کنترل می‌کند، جلوگیری می‌کند. (همان: ۱۰ / ۵۸)

از سوی دیگر، از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، رهبری علاوه بر اینکه مشمول نظارت‌های عمومی همچون امر به معروف و نهی از منکر (همان: ۸ / ۴۸۷ و ۴۸۸) و... می‌باشد از نظارت ساختاری خبرگان نیز برخوردار است و مجلس خبرگان از جمله نهادهای مهمی است که نظارت بر بقای شرایط رهبری در رهبر را بر عهده دارد.

## ۲. نظارت قوه مجریه بر قوای دیگر

در قانون، نظارتی از سوی قوه مجریه بر قوای دیگر پیش‌بینی نشده است، (قاضی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۵۵/۳) اما با توجه به اینکه رئیس‌جمهور مطابق اصل یکصد و سیزدهم پس از مقام رهبری «عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی» بر عهده او قرار گرفته است، فقط می‌تواند از جنبه نظارتی، در صورت خروج هریک از نهادها از مجرای قانون، به آنها تذکر قانون اساسی بدهد و قوه مربوط را از خطای انجام‌شده مطلع

سازد. (لک‌زایی، ۱۳۸۶: ۱۳۱ و ۱۳۲) بر این اساس، حضرت امام در حکم تنفیذ ریاست‌جمهوری آقای محمدعلی رجایی به نظارت رئیس‌جمهور، بر قوای سه‌گانه اشاره کرده است: «در نظارت بر قوای ثلاثه، طرف حق را در نظر گیرند». (امام خمینی، ۱۵ / ۶۸)

### ۳. نظارت قوه مقننه بر قوه مجریه

امام خمینی علیه السلام به اقتدار کامل مجلس - به عنوان نمایندگان ملت - بر قوه مجریه اشاره می‌کند. بر همین اساس، ایشان نظارت مجلس بر تمامی امور کشور را خاطرنشان می‌سازد و به منظور جلوگیری از انحرافات، استیضاح دولت را بر اساس اخلاق اسلامی، حق نمایندگان مجلس شورای اسلامی و یکی از راهکارهای جلوگیری از انحرافات و نظارت مجلس بر دولت می‌داند. از این رو می‌فرماید:

شک نیست که مجلس به همه امور کشور نظارت دارد؛ و حق نمایندگان است که از هر انحراف و خلافی که از وزرا و ادارات می‌بینند، به حکم قانونی جلوگیری کنند و دولت را تا حد استیضاح بکشانند... (همان: ۱۸ / ۴۶۵ و ۴۶۶)

علاوه بر استیضاح و قانون‌گذاری، از راهکارهای دیگری که در ساختارهای نظام سیاسی جمهوری اسلامی در خصوص نظارت مجلس بر قوه مجریه پیش‌بینی شده است، رأی اعتماد نمایندگان به وزیران است. (همان: ۲۱ / ۱۲۳)

### ۴. نظارت قوه قضائیه بر قوای دیگر

امام خمینی علیه السلام شأن بالای نظارتی را برای قوه قضائیه قائل است، به طوری که مردم را به گزارش دادن اعمال خلاف ارگان‌های دولتی به قوه قضائیه، سفارش می‌کند. (همان: ۱۵ / ۴۵۰) از سوی دیگر، در همه‌جا قوه قضائیه به نحوی ناظر بر نهاد ریاست‌جمهوری است؛ به طوری که دیوان عدالت اداری به عنوان بخشی از قوه قضائیه، اختیارات وسیعی در مقابل تصمیمات مقامات اجرایی در سطوح مختلف اعمال می‌کند.

از سوی دیگر، نظارت قوه قضائیه بر قوه مقننه از طریق اعضای حقوقدان شورای نگهبان است که بر مغایرت نداشتن قوانین مصوب مجلس با قانون اساسی نظارت دارند؛ زیرا این افراد به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه، توسط نمایندگان مجلس انتخاب می‌شوند.

## ۵. نظارت درون قوه‌ای

امام علاوه بر نظارت قوا بر یکدیگر، خواستار نظارت درون قوه‌ای نیز هست. برای مثال، با توجه به ساختار قوه مقننه، هر نماینده فقط در برابر ملت مسئول است و رئیس قوه مقننه در نظارت بر سازمان تحت امر خود اشراف و برتری ندارد. از این رو، نظارت درون قوه‌ای در مجلس شورای اسلامی از طریق نظارت‌های مردمی و نظارت نمایندگان بر یکدیگر است. بنابراین، امام خمینی به نظارت مردم بر مجلس اشاره می‌کند و می‌فرماید:

ما اگر نظارت نکنیم؛ یعنی، ملت اگر نظارت نکنند در امور دولت و مجلس... ممکن است یک وقت به تباهی بکشد... . ملت باید ناظر باشد به اموری که... در مجلس می‌گذرد... . ملت باید توجه داشته باشد که اگر... یک کسی را تعیین کردند که کارشکنی برای دولت کرده، کارشکنی برای مجلس کرده، دفعه دیگر تعیینش نکند. (همان: ۱۵ / ۱۷)

علاوه بر این، امام از نمایندگان می‌خواهد که «اگر خدای نخواست، عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی، وکالت خود را به مردم تحمیل نمودند، مجلس اعتبارنامه آنان را رد کنند و نگذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته به مجلس راه یابد». (همان: ۲۱ / ۴۲۱)

امام خمینی علیه السلام در بیانات خود، نظارت درون قوه‌ای در قوه قضائیه را از نظر دور نداشت و وظیفه نظارت بر عملکرد قوه قضائیه را علاوه بر رهبری، بر عهده خود این نهاد قرار داد و این‌گونه اظهار داشت:

امروز دستگاه دادگستری و دادگاه‌های انقلاب، پاسبان آبرو و حیثیت جمهوری اسلامی و اسلام است و انحراف در قضا مردم را از این دستگاه مأیوس و به جمهوری اسلامی و روحانیون بدبین می‌نماید. مسئولان بالای قضایی موظفند در نهادهای مذکور، نظارت کامل داشته و از انحرافات جلوگیری نمایند. (همان: ۱۴ / ۲۱۸) ایشان همچنین بر نظارت درون قوه‌ای در قوه مجریه از طریق نظارت بالادست‌ها بر فرودست‌ها تأکید می‌کند.

## نتیجه

در حکومت اسلامی، به منظور نظارت بر اعمال حاکمان و کارگزاران و جلوگیری از فساد و

انحرافات آنان، سازوکارهای درونی و بیرونی متعددی پیش‌بینی شده است که در قالب راهکارهای درونی و بیرونی (عمومی و ساختاری) مورد مطالعه قرار گرفت. در این مقاله، ضمن اشاره به راهکارهای درونی همچون تقوا، علم، عدالت و... به راهکارهایی که در حوزه نظارت بیرونی مطرح شده، اشاره گردید؛ زیرا عامل نظارت درونی به قدر کافی در همه انسان‌ها وجود ندارد و لازم است که عواملی از بیرون نیز بر آنها نظارت داشته باشد که بر اساس آنها حاکم و کارگزارانش در حوزه کاری خود بر اموری خاص، به منظور بهبود عملکردها توجه می‌کنند.

بر این اساس، مطابق تأکیده‌های امام خمینی علیه السلام مؤلفه‌هایی همانند «امر به معروف و نهی از منکر»، «نصیحت»، «شورا و مشورت» و «رسانه‌های گروهی» از راهکارهای عمومی نظارت بیرونی هستند که در هر شکلی از حکومت‌ها که دارای ماهیت اسلامی باشند، مورد استفاده مردم جوامع مسلمان و حکومت اسلامی قرار می‌گیرند و برحسب آنها بر اعمال حاکمان نظارت می‌شود. همچنین «نظارت رهبری بر قوای سه‌گانه و سایر نهادهای قانونی کشور»، «نظارت قوای سه‌گانه بر یکدیگر»، «نظارت درون‌قوای»، و... از مباحث مهمی است که در قالب راهکارهای ساختاری نظارت بیرونی قرار می‌گیرند که حرکت در چارچوب آنها زمینه نظارت را در حکومت فراهم می‌کند و بر اساس تأکیده‌های امام خمینی علیه السلام، نقش فوق‌العاده‌ای را در جلوگیری از انحراف حاکمان و کارگزاران دارد.

## منابع و مأخذ

۱. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، *تحریرالوسیله*، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۸، *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ نوزدهم.
۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰، *آداب الصلاه (آداب نماز)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هجدهم.

۵. امیر کاوه، سعید، ۱۳۷۶، «نظارت اجتماعی»، مجله معرفت، شماره ۲۱.
۶. ایزدهی، سید سجاد، ۱۳۹۰ الف، فقه سیاسی امام خمینی علیه السلام، تهران، چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰ ب، مبانی فقهی نظارت بر قدرت از دیدگاه امام خمینی، تهران، چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
۸. جعفری، قاسم، ۱۳۸۸، مبانی فقهی نظارت شهروندان بر حاکمان با تأکید بر نظر امام خمینی، تهران، انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۹. جمشیدی، محمدحسین، ۱۳۸۸، اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
۱۰. جوان آراسته، حسین، ۱۳۸۸، گزینش رهبر و نظارت بر او در نظام جمهوری اسلامی ایران، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۱۱. حمیدیان، حسن، ۱۳۸۹، نظارت بر قانونگذاری در ایران و آمریکا، تهران، مؤسسه انتشارات دادگستر، چاپ اول.
۱۲. دلاوری، رضا، ۱۳۸۱، «نظارت بر قدرت از دیدگاه قرآن»، مجله علوم سیاسی، شماره ۱۹.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۶، لغت نامه، ج ۴۸، تهران، چاپ دانشگاه تهران.
۱۴. رمضان پور نرگسی، محمود، ۱۳۸۷، مبانی نظارت و بازرسی، تهران، پلک، چاپ اول.
۱۵. ره پیک، حسن، ۱۳۸۱، مجموعه مقالات همایش رسانه‌ها و ثبات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۱۶. سعادت، اسفندیار، ۱۳۷۶، مدیریت منابع انسانی، تهران، سمت.
۱۷. سلوکلائی، محمد فلاح، ۱۳۸۸، «نظارت بر حکومت و سازوکارهای آن در اسلام»، مجله حکومت اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۲.
۱۸. سه‌ها، نادر، ۱۳۸۹، «اخلاق کارگزاران در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی» در مجموعه مقالات برگزیده همایش اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی، تهران، چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
۱۹. علی‌احمدی، علیرضا و مصطفی کاظمی و محمد مولایی، ۱۳۸۲، نقش ارزش‌های

- اسلامی در فرایند نظارت و کنترل سازمان، تهران، انتشارات تولید دانش، چاپ اول.
۲۰. علیخانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۳، «نظارت در نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهشی امام صادق علیه السلام، شماره ۲۳.
۲۱. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۷، *مبانی اندیشه سیاسی اسلام*، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ ششم.
۲۲. فخار طوسی، جواد، ۱۳۸۹، *امام خمینی و رسانه‌های گروهی*، تهران، چاپ و نشر عروج، چاپ سوم.
۲۳. قاضی‌زاده، کاظم، ۱۳۸۶، *مردم‌سالاری دینی*، ج ۳، تهران، چاپ و نشر عروج، چاپ دوم.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸، *الکافی*، ج ۱، طهران، دارالمکتب الاسلامیه.
۲۵. لک‌زایی، شریف، ۱۳۸۶، *توزیع و مهار قدرت در نظریه ولایت فقیه*، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ دوم.
۲۶. مدنی، جلال‌الدین، ۱۳۸۹، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات پایدار، چاپ پانزدهم.
۲۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۵، *حماسه حسینی*، ج ۲، تهران، انتشارات صدرا.
۲۸. معین، محمد، ۱۳۸۶، *فرهنگ معین*، ج ۱، گردآوری: عزیزالله علیزاده، تهران، انتشارات ادنا، چاپ چهارم.
۲۹. ملک‌افضلی اردکانی، محسن، ۱۳۸۲، *نظارت و نهادهای نظارتی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. هاشمی، سید محمد، ۱۳۸۹، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۱، تهران، نشر میزان، چاپ دهم.
۳۱. هدایت‌نیا، فرج‌الله، ۱۳۸۹، *شورای نگهبان (پرسش‌ها و پاسخ‌ها)*، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ دوم.
۳۲. الوانی، سید مهدی، ۱۳۷۱، *مدیریت عمومی*، تهران، نشر نی، چاپ پنجم.